

فرهنگ بهره‌وری مهمترین عامل در فرهنگ صنعتی ایران

پژوهشی در باب دیدگاه جامعه ایران نسبت به توسعه فرهنگ صنعتی

ارائه به کنفرانس بین‌المللی بهره‌وری- خردادماه 1386

سیدعلیرضا شجاعی / دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی صنایع مدیریت سیستم و بهره‌وری دانشگاه علم و صنعت ایران، کارشناس توسعه مدیریت سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران / 23862507 / shojaei@idro.org
سیدغلامرضا جلالی نائینی / رئیس گروه سیستم و بهره‌وری دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران، رئیس انجمن مدیریت ایران
سیامک نوری / رئیس دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران

چکیده:

افزایش شناخت فرهنگ صنعتی جامعه و توسعه این فرهنگ در کشور و بنگاه‌ها، باعث ارتقاء سازمان‌ها و در نتیجه توسعه صنعتی خواهد شد. از این رو، این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه‌ها نسبت به فرهنگ صنعتی و عوامل آن، در راستای بهبود گسترش و تحقق فرهنگ صنعتی و در نتیجه، توسعه صنعتی و به کمک 342 نفر از جمعیت مورد مطالعه انجام پذیرفت. روش آن، کتابخانه‌ای و میدانی از طریق پرسشنامه است. نتایج این پژوهش نشان داد که بین وضعیت موجود فرهنگ صنعتی در کشور و وضعیت مطلوب آن، تفاوت وجود دارد. در نظرسنجی انجام شده، پاسخ دهندگان اتفاق نظر داشتند که توسعه فرهنگ صنعتی به عنوان فرهنگ پشتیبان توسعه صنعتی برای پیشرفت کشور ضروری است و با اولویت قرار دادن فرهنگ بهره‌وری و فرهنگ کیفیت و توجه به مشارکت، کار گروهی، نظم‌پذیری و تعهد کاری، تحقق اهداف توسعه در کشور، سرعت خواهد گرفت.

واژه های کلیدی: فرهنگ، توسعه، صنعت، بهره‌وری، فرهنگ صنعتی، توسعه صنعتی

با تشکر و تقدیر از همکاری نسترن رفیعی (کارشناسی مدیریت از دانشگاه تهران) و لیلا خطیب‌زاده (کارشناسی ارشد پژوهشگری)

مقدمه:

رشد صنعتی و اقتصادی در طول نیم قرن اخیر یکی از دغدغه‌های مهم برنامه‌ریزان دولت و روشنفکران این عرصه بوده است. اما مسلماً رشد صنعتی بدون یک زمینه فرهنگی امکان‌پذیر نیست.

سخن گفتن از دو واژه فرهنگ و صنعت به صورت مجزا و منفک چندان ساده به نظر نمی‌رسد چه رسد به خلق مفهومی ترکیبی و نسبتاً دور از ذهن با عنوان "فرهنگ صنعتی" و جستجو برای برقراری نسبت‌ها، سنخیت‌ها و تعامل سازنده میان این دو، که به غایت مشکل می‌نماید.

از یک سو صاحب‌نظران و مدیران حوزه فرهنگ، صنعت و تکنولوژی را مانعی بر سر راه اعتلا و بالندگی فرهنگ غنی و چند هزار ساله ایران می‌دانند و از سوی دیگر تفکر مدیران و متولیان صنعتی که فرهنگ ایران را با همه دیرپا و غنی بودن و با همه ابعادش، مزاحمی وقت‌گیر در مسیر رشد و توسعه صنعتی و تکنولوژیکی کشور به شمار می‌آورند.

سنگ بنای این تحقیق بر اساس سلسله‌ای از پرسش‌های پیرامونی و نیازهای پژوهشی جامعه صنعتی کشور استوار شده است، بنابراین نیاز به یک سلسله آسیب‌شناسی فرهنگی و صنعتی و نیز مهندسی فکری و اجتماعی بود.

برقراری نسبتی نظری میان فرهنگ و صنعت در بعد کلان و جستجوی نسبتی کاربردی و ملموس میان تکنولوژی مدرن و فرهنگ مختص آن و فرهنگ بومی ایران، پارادایم اساسی برای تحقق چشم‌انداز بلند مدت کشور است و در این راستا باید به بررسی ریشه‌های توسعه یا عقب‌ماندگی اقتصادی و صنعتی پرداخت. در این بررسی است که جایگاه و نقش فرهنگ و صنعت و تعامل این دو وضوح بیشتری می‌یابد.

یکی از سوالات کلیدی این است که فرهنگ متناسب با توسعه صنعتی چیست و صنعت مبتنی بر باورها و توانایی‌های فرهنگی کدام است؟

در راستای نکات پیش گفته شده پیرامون فرهنگ صنعتی، هدف از انجام این پژوهش، بررسی دیدگاه‌های عموم مردم در خصوص فرهنگ صنعتی است. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای و نیز پرسشنامه‌ای که توسط 342 نفر از بازدیدکنندگان از یک نمایشگاه کامپیوتر و اینترنت تکمیل گردید، انجام پذیرفت.

تعاریف:

فرهنگ (Culture)

در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی برای فرهنگ معانی متعددی در کتاب‌های مربوطه از زوایای گوناگون مطرح شده است و هر یک از این تعاریف بر اساس خاستگاه نظری که دارند دارای نقاط قوت و ضعفی هستند، این تعدد به گونه‌ای است که لاورنس لوئل (A.Lawrence Lowell-1934) می‌گوید: «در این جهان هیچ چیز فراتر از کلمه فرهنگ نیست... و تلاش برای تحدید معنای آن، مانند سعی کردن در گرفتن هوا در مشت است که در نهایت می‌بینیم که هوا به جز در چنگ ما، در همه جا هست».

ا.ل. کروبر و کلاید کلو کهن در بررسی‌ای که کرده‌اند حدود 164 تعریف را برای فرهنگ برشمردند. معروف‌ترین و شاید جامع‌ترین تعریفی که از فرهنگ ارائه شده است، متعلق به ادوارد تایلر TYLOR است که در ذیل آمده است.

فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است.

تعاریف دیگر فرهنگ

- رالف لینتون فرهنگ را ترکیبی از رفتار می‌داند که بوسیله اعضاء جامعه معینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و میان افراد مشترک است.
- به نظر ادوارد سایپر، فرهنگ عبارت از نظامی از رفتارها است که جامعه بر افراد تحمیل می‌کند و در عین حال نظامی ارتباطی است که جامعه بین افراد بر قرار می‌کند.

صنعت (Industry)

واژه صنعت از ریشه صنع (عربی) به معنی ساختن یا آفریدن گرفته شده است. در زبان انگلیسی واژه (Industry صنعت) از واژه لاتین Industria گرفته شده و به معنی بازرگانی یا ساختن و ساخت به طور کلی است. منظور از ساخت، ایجاد دگرگونی در نمود و شکل ظاهری یا دگرگونی در ترکیب و چگونگی موادی است که نیازمندی انسان را برآورده نکرده و تغییر شکل یا ترکیب سبب می‌شود که نیازمندی معینی را برآورده سازد. بنابراین صنعت به معنی ایجاد دگرگونی در شکل یا در ترکیب مواد است تا به این وسیله مواد خام یا غیرقابل بهره‌گیری به صورت کالایی قابل استفاده و قابل بهره‌گیری برای برآورده کردن نیازهای زندگی مردم درآید.

صنعت، فراگردی است که در آن مواد اولیه، ابزار، سرمایه، نیروی کار، انرژی و اطلاعات به کار گرفته شده و حاصل آن، کالا، مصنوعات و خدمات است.

صنعت، شامل کلیه فعالیت‌هایی است که منجر به تغییر فیزیکی- شیمیایی مواد و اجسام مختلف و تبدیل آنها به محصولات جدیدی گردد، اعم از این که این تغییرات به وسیله دست یا ماشین در کارخانه‌ها و یا در منازل انجام گیرد.

در فرهنگ معین، صنعت چنین تعریف شده است: کار، پیشه، حرفه، کلیه تغییراتی که بشر در مواد طبیعی می‌دهد تا بهتر و بیشتر از آنها استفاده کند.

با توجه به تعاریف یاد شده، صنعت، مجموعه‌ای است از فعالیت‌هایی که با استفاده از منابع موجود (مواد، سرمایه، نیروی انسانی، انرژی، تکنولوژی، اطلاعات، ابزار) کالا یا خدماتی تولید می‌کند که نیازهای انسان و جوامع انسانی را برطرف می‌نماید. در واقع، تلاشی است مستمر در جهت بهبود کارایی و بهره‌وری؛ به این معنا که با استفاده از منابع کمتر، بازده بهتری به دست دهد. از این جهت، پویایی، نوسازی و نوجویی یکی از ویژگی‌های صنعت است.

صنعت معمولاً شامل تولید مواد، تغییر شکل دادن و اتصال قطعه‌های تغییر شکل یافته با یکدیگر به منظور تولید یک قطعه مشخص و در نهایت سر هم کردن این قطعه‌ها در جهت آماده کردن تولید نهایی می‌باشد.

توسعه (Development)

واژه توسعه به لحاظ مفهوم وسیعی که دارد، لفظی پیچیده است و لذا برداشت‌های گوناگون و متفاوتی از آن صورت گرفته است.

گروهی، هدف توسعه را رسیدن به پیشرفت‌ها، دانسته‌اند و برای این هدف خط مشی "صنعتی شدن" را پیشنهاد کرده‌اند. خط مشی صنعتی شدن در قالب این گروه تئوری‌ها، سیاست‌های اجرایی خاص خود را که عبارت است از انتقال تکنولوژی، تأکید بر انباشت، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و همچنین تأکید بر نقش محوری بخش خصوصی، جلوه کرده است.

گروهی دیگر، رفع فقر را مترادف با هدف بنیادی توسعه تلقی کرده‌اند و برای اینکه این هدف محقق شود، استراتژی تأکید بر نیازهای اساسی را پیشنهاد کرده‌اند و در چارچوب این استراتژی تأکید بر صنایع کوچک و تولید کالاهای اساسی کشاورزی را در دستور کار قرار داده‌اند.

گروهی دیگر، مسئله اصلی و هدف اصلی کوشش‌های معطوف به توسعه را "رفع وابستگی" دانسته‌اند و برای اینکه این مسئله مرتفع شود، استراتژی برخورد رادیکال با عوامل داخلی و خارجی ایجاد کننده وابستگی را پیشنهاد کرده‌اند.

معمولاً توسعه را فرآیند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی مردم با تأکید بر سه جنبه: ارتقاء سطح زندگی، ایجاد عزت نفس و افزایش آزادی انتخاب انسان تعریف می‌کنند. این گروه از تعاریف مبتنی بر توسعه اجتماعی بوده و صرفاً بر باز تولید اجتماعی ملی تأکید دارند. تعاریف انبوه‌تر توسعه منطبق بر اندیشه‌های اقتصادی و ماهیتاً باز تولید سرمایه‌ای هستند. از این رو توسعه اقتصادی "کاربرد منابع تولید در جهت رشد مداوم درآمد سرانه جامعه" معنی شده است. از طرفی توسعه متضمن ازدیاد سرمایه‌گذاری و گسترش بازار و در عین حال فرایندهای پیچیده توزیع مجدد قدرت اقتصادی- سیاسی نیز به شمار می‌رود. بنابراین فرآیند مزبور، ترکیبی است از تغییرات روحی و اجتماعی جمعیت یا ملتی که در نتیجه می‌تواند محصول حقیقی ناشی از اقتصاد تولیدی اش را به طور جمعی پیوسته و مداوم افزایش دهد.

توسعه، شامل مجموعه‌ای متشکل از توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است و اصلاحات اساسی نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه را در بر می‌گیرد. توسعه اجتماعی، باورها، ارزشها، اعتقادات و نظام فرهنگی و اجتماعی فنی را بر پا ساخته و فلسفه توسعه را در قالب این نظام ارزشی و فرهنگی تبیین می‌نماید. در واقع جوهر و ذات توسعه

و همچنین تمایل و باور به توسعه در فرد و اجتماع، شکل می یابد. فرآیند توسعه اجتماعی، لزوماً به معنی نوسازی فرهنگی و ارزشی و کپی سازی و واردسازی فرهنگ جدید نیست، بلکه در مواردی برگشت به خویشتن خویش و در واقع تجدید حیات فرهنگی، خود یک تحول در توسعه است. در هر حال، بدون یک ساختار اجتماعی صحیح که عزم ملی و باور به توسعه را براساس ارزش‌های صحیح از جامعه به وجود می‌آورد. برپایی یک ساختار اقتصادی صحیح، بعید به نظر می‌رسد.

مهم‌ترین شاخص‌های توسعه که در بسیاری از متون و ادبیات اقتصاد توسعه از آنها نام برده شده عبارتند از:

1. درآمد سرانه
2. ساختار و توزیع درآمد
3. امید به زندگی
4. ساختار جمعیتی
5. ساختار نیروی کار
6. مصرف سرانه انرژی
7. درصد با سواد و میزان بودجه ارزش
8. نرخ رشد تولید ناخالص ملی
9. تعداد پزشک و تخت بیمارستانی
10. نرخ زاد و ولد و مرگ و میر

مراحل توسعه:

در نظریه توسعه که بیشتر با نظریه‌های مورخ اقتصاددان آمریکایی "روستو" W.W. Rostow ارتباط دارد، اگر کشوری بخواهد به مرحله توسعه‌یافتگی برسد ناگزیر است که مراحل زیر را طی نماید:

- 1) مرحله سنتی و ایستا، با درآمد سرانه پائین.
- 2) مرحله انتقالی (که در آن شرایط لازم برای رشد، فراهم می‌شود).
- 3) مرحله خیزش (که مرحله شروع فرآیند توسعه اقتصادی است).
- 4) مرحله صنعتی شدن، با تولید و مصرف به مقیاس وسیع (مرحله توسعه)

صنعتی شدن (Industrialization)

صنعتی شدن، تجهیز یک شهر و یا یک منطقه از نظر صنعت است. در سطح کشور به معنای گذشتن از مرحله فعالیت‌های زراعی است که تا پیدایی فرآیند صنعت، اساسی شناخته می‌شد. دستیابی به فعالیت‌های صنعتی، یعنی مجموع فنون و حرفی که مواد اولیه را در جهت انطباق با نیازهای انسانی مورد استفاده قرار می‌دهند (به استثنای امور مربوط به فعالیت‌های کشاورزی). از نظر پروکس (F. Perroux) صنعتی کردن به معنای "ساخت بخشیدن به یک مجموعه اقتصاد است که با کاربرد عمومی نظام ماشینی به منظور افزایش قدرت گروهی از انسان‌ها در کسب اشیائی که برایشان مفید می‌نمایند، به طور تراکمی و با کاهش میزان کار فردی" صورت می‌گیرد. به طور کلی، گذار از یک جامعه یا یک نظام اجتماعی-اقتصادی از طریق توسعه صنعت و تکنولوژی و تکوین صنایع بزرگ به عنوان ویژگی برجسته جامعه یا نظام را، صنعتی شدن گویند. صنعتی شدن یک فرآیند است که ویژگی‌های اساسی آن عبارتند از:

- نسبت دستاوردهای ناشی از فعالیت‌های ساخت و صنعت ثانویه در درآمد ملی افزایش می‌یابد.
- نزدیکی و در نهایت از میان رفتن فاصله بین بهره‌وری سرانه در بخش ثانویه و بخش اولیه (صنایع با کشاورزی و ...).
- تغییرات مستمر و مداوم در روش‌های تولید و ساختن فرآورده‌های جدید.
- افزایش نسبت جمعیت ساکن شهرها.
- تغییرات در نسبت‌های هزینه در تشکیل سرمایه و مصرف به طور نسبی و

از دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان، صنعتی شدن یک جامعه، لازمه رشد و شکوفایی است و اگر بخواهیم فرآیند صنعتی شدن به درستی صورت پذیرد، باید به انطباق ساختارهای اجتماعی و نهادها به صورت گوناگون دست زد و همان طور که اشاره شد، تحقق این فرآیند در توسعه تدریجی یک کشور، اجتناب ناپذیر است.

صنعتی شدن، قسمتی از فرآیند رشد اقتصادی در سطح کلان است. در این معنی رشد اقتصادی به مفهوم افزایش حقیقی تولید سرانه ملی جامعه است که از نتیجه عملکرد بخش‌ها و افزایش کل درآمد اقتصادی حاصل می‌گردد. بدین ترتیب، صنعتی شدن عبارت است از قسمتی و نوعی خاص از رشد.

صنعتی شدن، فرآیندی است که تحت شرایط بهبود بخشیدن به تکنیک، سازماندهی و ترکیب تولید در واحدهای اقتصادی شکل می‌گیرد. این روند را جوی سیاسی، اجتماعی و نوعی سازماندهی که قادر باشد، عوامل موثر غیراقتصادی را با رشد اقتصادی تنظیم نماید، همراهی می‌کند. تحول فرهنگی و اجتماعی که عامل انتقال اقتصاد سنتی به اقتصاد مدرن و جامعه مولد و همراه با بازده خواهد بود نیز در قالب فرآیند صنعتی قرار دارد.

صنعتی شدن، فراگردی است که طی آن براساس علوم کاربردی، تکنولوژی در جامعه تحول و توسعه می‌یابد. از عمده‌ترین مشخصه‌های صنعتی شدن به دست آوردن امکان تولید در مقیاس وسیع آن است. تولید انبوده (Mass Production) از طریق صنعتی شدن و تحقق نظام کارخانه‌ای در تولید، امکان‌پذیر می‌گردد. تأکید بر تکنولوژی پیچیده، استفاده از انرژی مکانیکی در تولید، نظام بانکداری، بیمه، تمرکز سرمایه و نیروی کار، ظهور سازمان و گسترش دیوانسالاری، شیوه‌های جدید کنترل و مدیریت، و افزایش شهرنشینی از مظاهر عمده فراگرد صنعتی شدن به حساب می‌آیند. در استراتژی صنعتی شدن، تأکید بر رشد و توسعه است ولی ابزار دستیابی به رشد، بخش صنعت است و عامل اهمیت این استراتژی، خصوصیات ویژه بخش صنعت است که آن را نسبت به سایر بخش‌ها امتیاز برتری می‌بخشد.

بهره‌وری (Productivity)

بهره‌وری در لغت به معنی قدرت تولید و بارور بودن و مولد بودن به کاررفته و در ادبیات فارسی، با فایده بودن و سود برندگی معنی شده است. در رابطه با تعریف کاربردی بهره‌وری نیز تعاریف مختلفی ارائه شده که برخی از آنها به قرار زیر است:

- استیگل در تعریف بهره‌وری می‌گوید: نسبت میان بازده و مرتبط به عملیات تولیدی مشخص و معین است.
- ماندلا بهره‌وری را چنین تعریف کرده است: بهره‌وری به مفهوم نسبت بازده تولید به واحد منابع مصرف شده است که با یک نسبت مشابه دوره پایه مقایسه شده و به کار می‌رود.
- تعریف سازمان بین‌المللی کار (ILO): بهره‌وری عبارت از رابطه بین ستاده حاصل از یک سیستم تولیدی با داده‌های به کاررفته مانند زمین، سرمایه، نیروی کار و غیره به منظور تولید آن ستاده است.

فرهنگ صنعتی (Industrial Culture)

فرهنگ صنعتی به معنای وجود همت ملی در عرصه تولید، بازنایشی، تفکر عقلانی در تحلیل پدیده‌ها، ارج نهادن به خلاقیت‌ها و اندیشه‌های نو، ارزش و منزلت اجتماعی برای محققین و متفکرین علوم و فنون، توزیع درآمدها براساس کار و خلاقیت و سرانجام وجود پیوندی قوی بین ارزش‌های فرهنگی با مبانی کار و صنعت است.

فرهنگ توسعه (Development Culture)

مفهوم فرهنگ توسعه، به طور رسمی از کنفرانس هلسینکی (ژوئن 1972) به بعد مورد بحث و بررسی صاحب‌نظران قرار گرفت. در کاربرد اولیه این مفهوم، فرهنگ توسعه، فرهنگی است که با نیازهای رشد و توسعه هماهنگی داشته باشد و این نه تنها به معنی گسترش کمی سازمانها و تأسیسات فرهنگی و هنری است، بلکه ایجاد زمینه برای مشارکت نسل‌های جدید در امر توسعه را نیز می‌رساند.

به عبارتی دیگر، "فرهنگ توسعه" به معنای مجموعه‌ای از خصایص فرهنگی و رفتارهای جمعی است که زمینه ساز توسعه (به ویژه توسعه اقتصادی) است. ایجاد فرهنگ توسعه به این مفهوم به معنای تقویت ویژگی‌هایی است که می‌تواند زمینه‌های ذهنی و رفتاری مناسب برای توسعه اقتصادی در یک جامعه را فراهم سازد.

توسعه فرهنگی (Cultural Development)

توسعه فرهنگی، نماد تحول در زندگی فرهنگی و روابط آن با سایر اشکال توسعه (اقتصادی، سیاسی، علمی) است. در واقع، توسعه فرهنگی را باید "افزایش ظرفیت خلاقیت و نوآوری در ارزش‌ها و رفتارهایی دانست که آدمیان در زندگی روزمره آنها را به کار می‌گیرند و با آن زندگی می‌کنند." این بعد از توسعه را می‌توان در هشت حوزه زیر خلاصه نمود:

- 1) دسترسی به فرهنگ
- 2) آموزش و پرورش فرهنگی
- 3) ارتقاء خلاقیت و نوآوری
- 4) تشویق فرهنگ عامه و فرهنگ سنتی
- 5) تقویت هویت فرهنگی
- 6) ارتقاء مبادلات فرهنگی
- 7) توسعه نگرش‌های قطعی در باب فرهنگ

توسعه فرهنگی به معنی ایجاد تحول و خلق ارزش‌ها، روابط اخلاقی و هنجارهای متناسب است که برای ارضاء نیازهای آدمی، زمینه‌های لازم را در قالب اجتماع فراهم می‌کند. توسعه فرهنگی مبتنی بر سه رکن اصلی است:

- 1) توجه به ابعاد و نیازهای فرهنگی در توسعه؛
- 2) همگانی کردن فرهنگ؛
- 3) ضرورت سیاستگذاری فرهنگی.

اهمیت فرهنگ:

ارزش‌ها و شرایط فرهنگی نقش به‌سزایی در افزایش رشد اقتصادی و تقویت نهادهای مردم‌سالار و ارتقاء عدالت اجتماعی دارد. ارزش‌هایی همچون تأکید بر آینده‌نگری، کار سخت، آموزش کارآ و اثربخش منابع انسانی، اهمیت به پیشرفت، شایسته‌سالاری و صرفه‌جویی در منابع مالی نقش مهم در توسعه کشورها ایفا می‌کنند. و نیز دانش، تجربه ژرف و واقع‌بینانه از جهان هستی و اصلاح عقاید، عادات و سنن خرافی در پیشرفت و موفقیت کشورها در بازارهای جهانی ملموس است.

فرهنگ معطوف به آینده، کار سخت را نشانه نشاط، صرفه‌جویی را عاملی برای سرمایه‌گذاری و توسعه، تحصیلات و آموزش و دین را کلید پیشرفت، شایستگان را لایق ارتقاء، اعتماد را زیربنای اجتماع، اصول اخلاقی را سختگیرانه تأکید، عدالت را برای همه و مراجع قدرت و تصمیم‌گیری را همواره به صورت افقی قابل رشد می‌داند. در برابر آن، فرهنگ خیره در گذشته و حال، کار را دردسر، بریز و پاش را برای کسب عزت، تحصیلات و آموزش را برای نخبان، هزار فامیل را شایسته ارتقاء، بی‌اعتمادی را به عنوان زیربنای کسب و کار، اصول اخلاقی را شعار آسمانی، عدالت را محدود به شبکه خودی‌ها، مراجع قدرت و تصمیم‌گیری را تا جایی که بتواند بصورت عمودی گسترش و دین را در مقابل پیشرفت می‌داند.

فرهنگ نوع اول، رفاه و پیشرفت را به همراه دارد و فرهنگ نوع دوم، فقر و بدبختی را در درون خود دارد و این نشانگر قدرت فرهنگ و تأثیر سرنوشت ساز آن است.

روش تحقیق:

پس از مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اطلاعاتی در خصوص فرهنگ، صنعت، توسعه و فرهنگ صنعتی، پرسشنامه‌ای طراحی گردید تا در تعامل با اقشار مختلف مردم در شهر تهران، در قالب یک نمونه آماری، دیدگاه‌های آنها جمع‌آوری و تحلیل شود. بدین منظور در نمایشگاهی که در خصوص اینترنت و کامپیوتر طی چند روز در تهران برگزار شد و با توجه به تنوع مخاطبین و بازدیدکنندگان آن به لحاظ سن، جنسیت، تحصیلات و غیره، پرسشنامه‌ها توزیع گردید که تعداد 342 نفر پرسشنامه را تکمیل و تحویل دادند.

جمعیت مورد مطالعه این پژوهش، افرادی بودند که دارای مدارک تحصیلی زیر دیپلم، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و بالاتر و یا دانشجو بودند. جدول 1 توزیع پاسخ‌دهندگان را به تفکیک نوع مدرک تحصیلی نشان می‌دهد.

جدول 1- توزیع پاسخ‌دهندگان به تفکیک نوع مدرک تحصیلی

تحصیلات	فراوانی	درصد معتبر
---------	---------	------------

13/8	35	زیر دیپلم
19/8	50	دیپلم
9/9	25	کاردانی
29/6	75	کارشناسی
7/5	19	کارشناسی ارشد و بالاتر
19/4	49	دانشجو
	89	بی‌جواب
100	342	جمع

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود بیش از 66% پاسخگویان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند و بیشترین تعداد پاسخگویان در مقطع تحصیلی کارشناسی با 29/6% قرار دارند. البته نکته قابل تامل در این قسمت، عدم پاسخ 89 نفر به این پرسش است. در جمعیت مورد مطالعه، محدودیت جنسیت وجود نداشت و مرد و زن در مقطع سنی نوجوان به بالا در این نظرسنجی مشارکت داشتند. و همانطور که در جدول شماره 2 آمده، 68/6% درصد پاسخگویان به پرسشنامه، مرد و 31/5% زن بوده‌اند.

جدول 2- توزیع پاسخ‌دهندگان به تفکیک جنسیت

درصد معتبر	فراوانی	تحصیلات
31/5	105	زن
68/6	228	مرد
	9	بی‌جواب
100	342	جمع

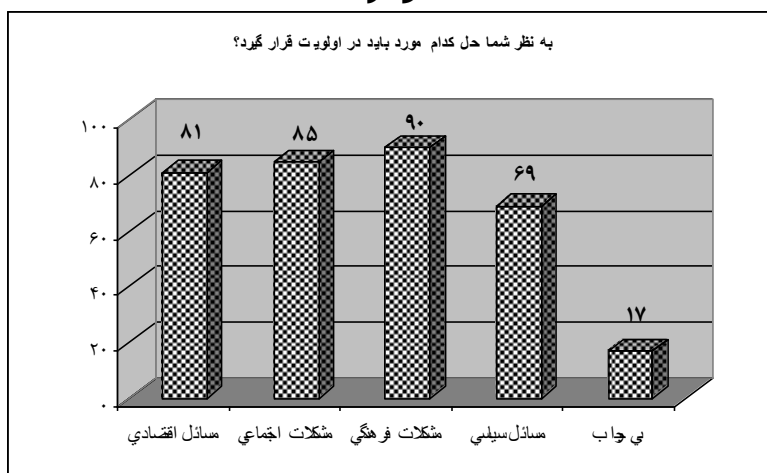
یافته‌ها:

در تدوین پرسش‌ها سعی گردید ابتدا به مسائل کلان پرداخته شود و پس از آماده کردن ذهن مخاطب، پرسش‌های تخصصی‌تر و در حوزه فرهنگ صنعتی پرسیده شود. **پرسش 1)** با توجه به دیدگاه‌های مختلف مسوولین در اولویت‌بندی مسایل و پرداختن به حل آنها - عنایت شود به رویکرد و عملکرد هر یک از دولت‌ها در طی سال‌های گذشته -، در قدم اول لازم بود اولویت ذهنی مخاطبین در خصوص مسایل مختلف مدنظر قرار گیرد. لذا در پرسش نخست چهار حوزه کلان مسایل یعنی مسایل اقتصادی، معضلات اجتماعی، مشکلات فرهنگی و مسایل سیاسی مورد سوال قرار گرفتند که در نمودار 1-3 و 2-3 نشان داده شده است، هر چند درصدهای فراوانی به هم نزدیک هستند لیکن بیشترین میزان فراوانی (28%) به کسانی اختصاص داده شده است که مشکلات فرهنگی را در اولویت همه امور قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، مشکلات فرهنگی و حل آنها دغدغه اکثر پاسخگویان محسوب می‌شود و نسبت به مسائل دیگر توجهات بیشتری به آن معطوف است. هر چند برخی معتقدند که حل چهار دسته مشکلات ذکر شده باید متوازن و با هم صورت گیرد، لیکن در صورتی که فرهنگ و فرهنگ‌سازی انجام نشده باشد، حل مشکلات یا میسر نمی‌شود و یا به کندی صورت می‌پذیرد. این امر در مورد پدیده‌های جدید شدیدتر است. در صورتی که فرهنگ پدیده‌های جدید در جامعه درونی شود، هرگز مسائل و مشکلات یک پدیده نو که ناشی از عدم فرهنگ‌سازی است در یک جامعه رخ نخواهد داد و یا در صورت بروز هرگونه مشکل، بسیار کم‌رنگ نمایان خواهد شد.

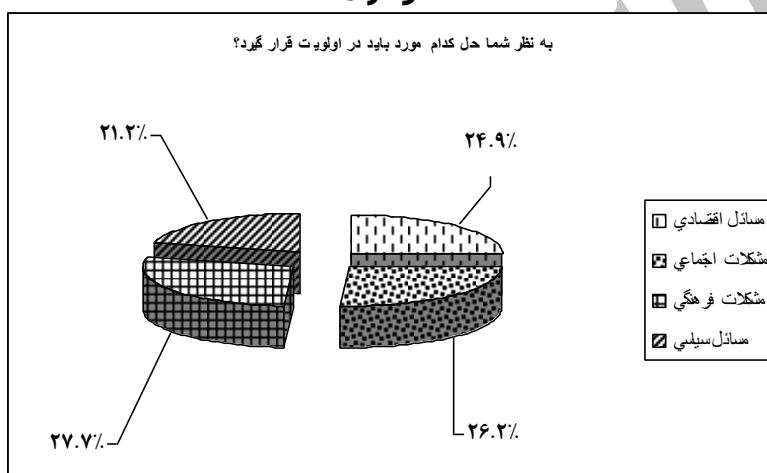
پس از مشکلات فرهنگی و در اولویت قرار گرفتن آنها، معضلات اجتماعی با تفاوت 1/5 درصدی، بیشترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده که 26/2% پاسخگویان را شامل می‌شود. مسائل اقتصادی و سیاسی نیز به ترتیب با کسب 24/9% و 21/2%، در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. این آمار نشان می‌دهد بر خلاف تصور برخی مسوولین و صاحب‌نظران که می‌پندارند خیلی

از اتفاقات و مسایل کشور سياسي و يا اقتصادي هستند، در نگاه مردم اين دو مورد از توجه کمتری برخوردار مي باشند.

نمودار 1-3



نمودار 2-3



پرسش 2) در پرسش دوم به ابعاد مختلف توسعه پرداخته شده و توسعه صنعتي، توسعه اقتصادي، توسعه فرهنگي و توسعه سياسي مورد سوال قرار گرفت. همانگونه که در نمودار 1-4 و 2-4 مشخص است و البته با توجه به پاسخ پرسش قبل پيش بيني مي شد، بيشتريين ميزان فراواني (43%) به پاسخگوياني تعلق دارد که توسعه فرهنگي را بر ساير موارد توسعه مقدم شمرده اند. در جمع بندي دو پرسش فوق و با توجه به قانون پارتو مي توان گفت فرهنگ در زمره 20 درصد است که 80 درصد اهميت را دارد.

توسعه فرهنگي، در حقيقت يکي از ابعاد مهم توسعه ملي است، زيرا که پيش شرط هرگونه توسعه اي، توسعه فرهنگي است. توسعه بدون دستيابي به فرهنگ خاص آن، امکان پذير نيست. ديده گاه ها، نحوه رفتار، شيوه گفتار، جهان بيني و جهان نگر، ارزش هاي ديني، نظم پذيري جمعي، مسئوليت پذيري، منطقي بودن و بسياري از باورداشته هاي فرهنگي از عوامل و عناصر تعيين کننده رشد و توسعه علمي و صنعتي جامعه هستند. توسعه فرهنگي، تنها با توسعه اقتصادي مرتبط نيست، بلکه شرط اساسي محسوب مي شود که بدون آن جامعه نمي تواند خود را با پيشرفت ميهوت کننده تکنولوژي سازگار نمايد. از اين رو، بسياري از صاحب نظران فرهنگ را محور برنامه هاي توسعه قرار داده اند. فرهنگ، تاثيرگذار بر توسعه است زيرا روش تفکر ملت ها در قبال پيشرفت را شکل مي دهند، و ارزش هاي فرهنگي اهميت ويژه اي دارند چون پايه هاي اصلي پيشرفت هستند و فعاليت هاي اقتصادي و اجتماعي و سياسي بر مبنای آنها شکل مي گيرد.

پس از توسعه فرهنگي، توسعه اقتصادي با اختلاف 11/8 درصد نسبت به فرهنگ، بر ساير ابعاد توسعه تقدم دارد. توسعه اقتصادي عبارت است از تغييرات و دگرگوني هاي ساختي در اقتصاد

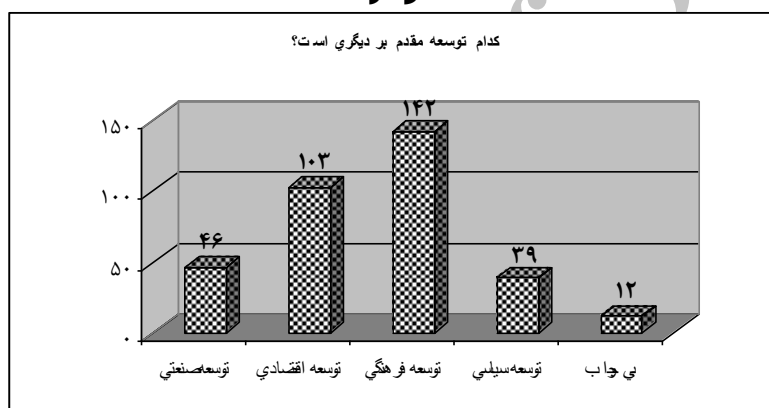
کشور، در چارچوب نظام ارزش‌های سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، توسعه اقتصادی بدون رشد مستمر تولید ناخالص داخلی و تغییرات ساختاری از نظر سهم بخش‌های عمده اقتصادی در تولید ملی، تحقق پیدا نمی‌کند. در این نظرسنجی، 31/2% پاسخگویان بر این عقیده‌اند که با بکارگیری عوامل اقتصادی گوناگون در قالب توسعه اقتصادی می‌توان به افزایش درآمد سرانه، ارتقاء سطح زندگی و نهایتاً بهبود شرایط زیست دست‌یافت.

در این میان، 14% پاسخگویان به مقدم بودن توسعه صنعتی و 12% نیز به تقدم توسعه سیاسی پاسخ داده‌اند. توسعه صنعتی، افزایش نرخ رشد و نقش بخش صنعت و خدمات مربوط به صنعت در فعالیت‌های اقتصادی جامعه می‌باشد و فرایندی است که در آن استفاده از عوامل تولیدی رو به سوی بهتر شدن دارد.

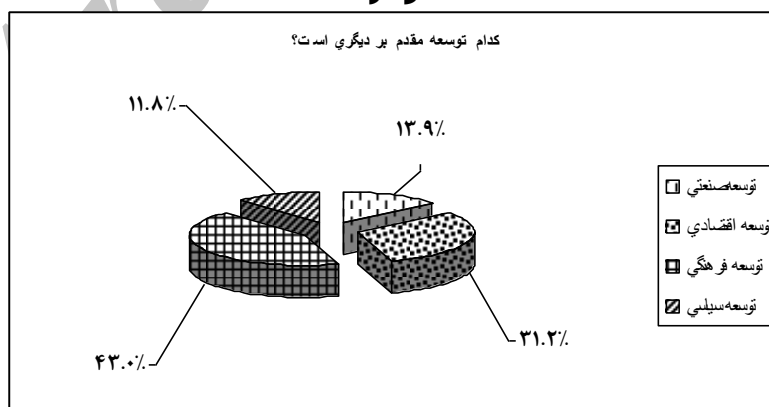
توسعه سیاسی را می‌توان به معنی افزایش مشارکت افراد در امور جامعه، حفظ کرامت‌ها و فضیلت‌های انسانی و ثبات قدرت حکومت و دولت در عرصه داخلی و بین‌المللی تعریف کرد. به عبارت دیگر، توسعه سیاسی، افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادگی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. توسعه سیاسی بیشتر جنبه رفتاری و بنیادی دارد و به دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود. عقب ماندن توسعه سیاسی از سایر ابعاد، خود جای تامل بسیار برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان کشور دارد.

برتری توسعه فرهنگی نشان‌دهنده این است که اکثر پاسخگویان به رغم آنکه می‌دانند جامعه فعلی ایران، هنوز جامعه‌ای صنعتی محسوب نشده و توسعه یافته نیست، اما باور دارند که توسعه فرهنگی، زیرساخت و بستر سایر ابعاد توسعه است.

نمودار 1-4



نمودار 2-4



پرسش 3) الوین تافلر در کتاب موج سوم، کل تاریخ بشر را به سه دوره تفکیک و هر یک را دارای ویژگی‌های فرهنگی خاص خود می‌داند. وی می‌نویسد: "تاریخ اقتصاد جهان سه طبقه مجزا را نشان می‌دهد. دوران کشاورزی، دوران صنعتی و دوران فراصنعتی که در هر یک از این دوره‌ها، اقتصاد در حول یک سری از ضوابط فرهنگی مشخص شکل گرفته است. نمی‌توان در دوران

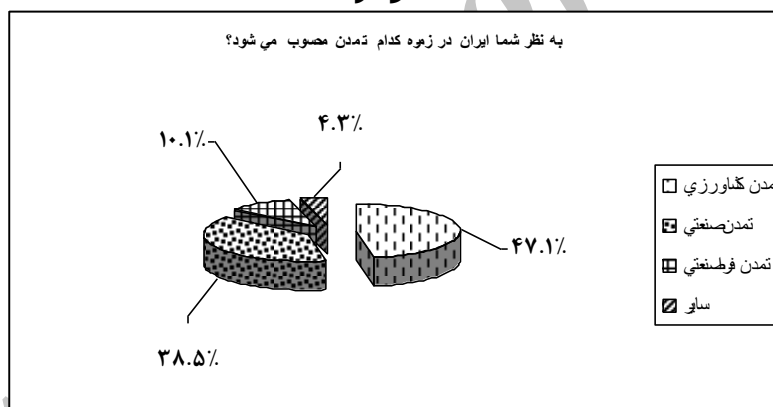
فراصنعتي زندگي کرد اما از الگوهاي فرهنگي دوران کشاورزي تبعیت کرد". در عصر کشاورزي مردم به کنار رودخانه ها آمده و حرفه آنها زراعت و دامپروري بوده است. در این عصر فرهنگ متاثر از حرفه، محیط کار و عوامل خاصي است که تغییر و تحول در آن کمتر قابل تصور است.

به عبارتي در این نوع تمدن روند تغییرات پیوسته و قابل پیش بینی است. مردم بطور سنتي و موروثي زندگي کرده و حرفه و طبقه اجتماعي را از نسل گذشته خود به ارث می برند. بعلت عدم گسترش علم و دانش، باورها و اعتقادات خرافي در عمق جان مردم ریشه دوانیده و زندگي آنها را به کندي به پیش می راند. در عصر صنعتي ابزار کشف شده و محصولات صنعتي نیز تولید و عرضه گردید. در این دوره خانواده، حرفه و محیط ابعاد خاصي یافته که با حالت قبل متفاوت است. تغییر و تحول سرعت بیشتری به خود گرفته و علم و دانش در بطن زندگي مردم جاي دارد. مقدار تولید افزایش یافته و شرکتها و سازمانها با تمام دنیا ارتباط دارند.

در تمدن صنعتي بر خلاف تمدن کشاورزي، روند تغییرات، گسسته و غیر قابل پیش بینی است. عصر سوم، عصر فرا صنعتي است که خصوصیت بارز آن گسترش شدید وسایل ارتباط جمعي و علم به تمام ابعاد زندگي بشر است. در این دوره، افراد با کمك رایانه و سایر وسایل ارتباطي در هنگامي که در منزل هستند به محیط کار و سایر قسمتهای زندگي مرتبط شده و قادرند وظایف سازمانی محوله را انجام دهند. نکته اساسي در نظریه تافلرکه مورد توجه عموم قرار گرفته این مطلب است که هر عصر دارای ابعاد فرهنگي خاصي است که مختص آن عصر بوده و برای ورود به عصر دیگر می بایست فرهنگ آن کسب گردد.

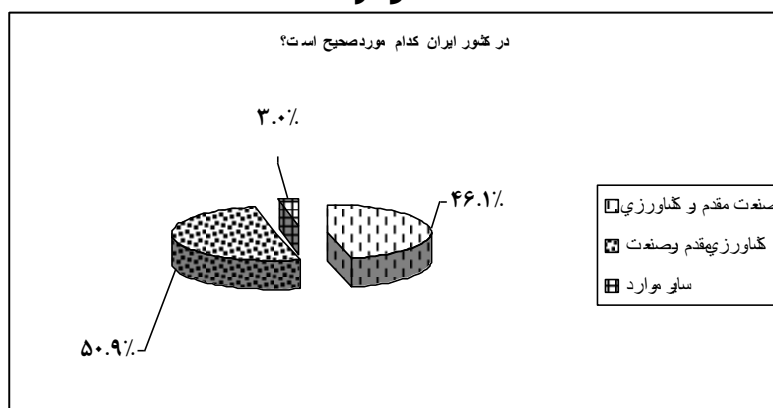
در اینکه ایران در زمره کدام تمدن محسوب می شود، اکثر پاسخگویان (47%)، کشور را در زمره کشوري با تمدن کشاورزي تلقي می کنند. این در حالی است که با يك اختلاف 8/6 درصدی، 38/5% پاسخگویان، ایران را در جمع کشورهای با تمدن صنعتي قلمداد نموده اند. (نمودار 5-1) در این میان فقط 10/1% از افراد پاسخ دهنده، به فراصنعتي بودن کشور معتقدند و 4/3% نیز به موارد دیگری همچون نیمه صنعتي بودن اشاره کرده اند.

نمودار 5



پرسش 4) در این پرسش آمده است که در ایران آیا صنعت بر کشاورزي مقدم است یا کشاورزي بر صنعت.

نمودار 6

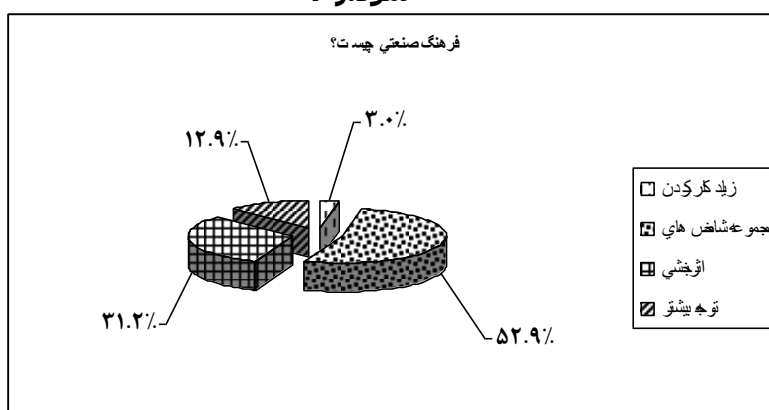


همانطور که در نمودار 6 مشاهده می‌شود، قریب 51% پاسخ‌دهندگان معتقدند که هم‌اکنون در ایران، کشاورزی بر صنعت مقدم شده است. این در حالی است که 46% از افراد، نظری عکس داشته و صنعت را در کشور مقدم بر کشاورزی دانسته‌اند. تقریباً همان اختلافی که در پرسش قبل میان تمدن کشاورزی و تمدن صنعتی وجود داشت در این پرسش نیز مشاهده می‌شود.

پرسش 5) از این سوال به بعد وارد موضوع اصلی یعنی فرهنگ صنعتی شده و در آغاز به این مقوله پرداخته شده که جمعیت مورد مطالعه چه تعریفی از فرهنگ صنعتی دارند. در این خصوص برای راحتی پاسخگویی، چهار گزینه مطرح گردید. این تعاریف عبارت بودند از:

1. زیاد کار کردن؛
2. مجموعه شاخص‌های فرهنگی پشتیبان صنعت؛
3. اثربخشی زیاد فعالیت‌ها؛
4. توجه بیشتر به صنعت؛

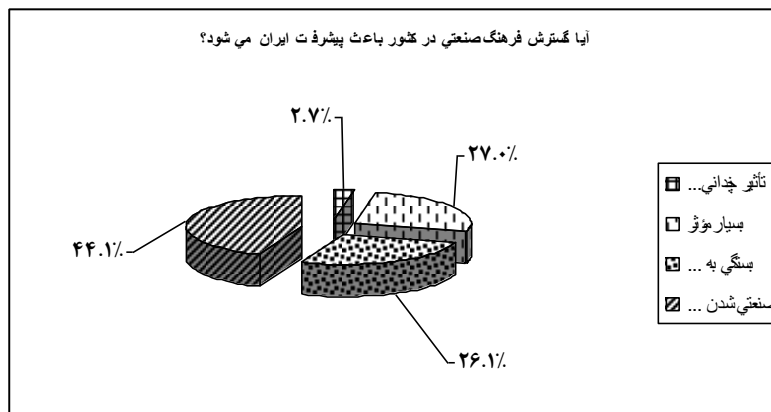
نمودار 7



بیشتر پاسخگویان (53%) معتقدند که فرهنگ صنعتی، مجموعه شاخص‌های فرهنگی پشتیبان صنعت است. کمترین میزان پاسخ‌ها (3%) به پاسخگوییانی تعلق دارد که زیاد کار کردن را فرهنگ صنعتی می‌دانند. 31/2% نیز، اثربخشی زیاد فعالیت را به معنی داشتن فرهنگ صنعتی تعریف می‌کنند و 13% پاسخ‌دهندگان معتقدند که توجه بیشتر به صنعت، فرهنگ صنعتی است. به یکی از تعاریف فرهنگ صنعتی در آغاز اشاره شد. در تعریفی جامع‌تر گفته می‌شود فرهنگ صنعتی رویکردی خردمندانه، ارزشی به فناوری و صنعت است در جهت خلق، دستیابی و بکارگیری فناوری‌ها و صنایع با ارزش افزوده بالا و رقابتی بمنظور دستیابی به اهداف استراتژیک ملی از قبیل تولید توزیع عادلانه ثروت، اشتغال مولد و رفاه ملی. این رویکرد انگیزه و عزم ملی را برای تعالی دایمی اندیشه و عملکرد برای دستیابی به رقابت جهانی در تولید علم و تولیدات اقتصادی متبلور می‌سازد.

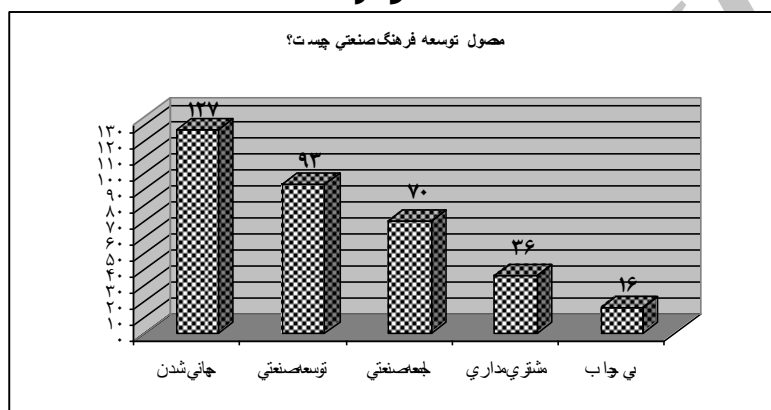
پرسش 6) در این سوال، باور مخاطب نسبت به گسترش فرهنگ صنعتی ارزیابی شده است. 44/1% از پاسخ‌دهندگان بر اهمیت فرهنگ تاکید داشته و معتقدند صنعتی شدن مستلزم شناخت فرهنگ وابسته به آن است. 27% نیز گسترش فرهنگ صنعتی در کشور را در پیشرفت ایران بسیار موثر می‌دانند. با اختلافی در حدود 9 درصد، 26/1% پاسخگویان، تاثیر گسترش فرهنگ صنعتی در ایران بر پیشرفت کشور را منوط به مشارکت جامعه در این امر کرده‌اند. در واقع برای تحقق این امر، يك عزم ملی را طلب نموده‌اند. 3% افراد پاسخگو نیز گسترش فرهنگ صنعتی در کشور را دارای تاثیر چندانی در پیشرفت ندانسته و فقط يك شعار تلقی کرده‌اند. (نمودار 8)

نمودار 8



پرسش 7) حال این سوال مطرح می شود که محصول توسعه فرهنگ صنعتی چیست. به چه چیزی دست یافتیم می فهمیم فرهنگ صنعتی گسترش یافته است. برای این پرسش، چهار گزینه انتخاب شد که هر یک مفهومی کلان را شامل می شد.

نمودار 9



همانطور که در نمودار 9 ملاحظه می شود، بیشترین میزان فراوانی با 39% به پاسخگویانی اختصاص دارد که معتقدند جهانی شدن محصول توسعه فرهنگ صنعتی است. 28/5% نیز نتیجه گسترش فرهنگ صنعتی را توسعه صنعتی دانسته اند. جامعه صنعتی و مشتری مداری به ترتیب با 25/5 و 11 درصد در رده های بعدی قرار دارند.

پرسش 8) شاید عوامل مختلفی به عنوان مشخصه های تحقق فرهنگ صنعتی موثر باشند ولی اولویت آنها چیست و چه مقدماتی باید در نظر گرفته شود.

در این قسمت، مشارکت و کارگروهی با 39% در صدر قرار گرفت و حائز بیشترین میزان فراوانی شد. به تعبیر بسیاری از اندیشمندان، مشارکت به قدمت تاریخ بشریت پیشینه دارد، چرا که نظر و عمل مشارکت در بطن هر جامعه و در مفاهیمی چون وابستگی، اتحاد، همکاری، انجمن و مانند آنها نهفته است. در موقعیت گروهی است که درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص برمی انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی، یکدیگر را یاری دهند و در مسوولیت کار شریک شده و موارد اساسی درگیر شدن، یاری دادن را پذیرا گردند. در مشارکت، قدرت برای دخالت گروه ها در تولید و ارتقاء فرهنگ است. مشارکت اجتماعی، دخالت داوطلبانه، آگاهانه و مسالمت آمیز اعضای یک جامعه در حصول به توسعه است.

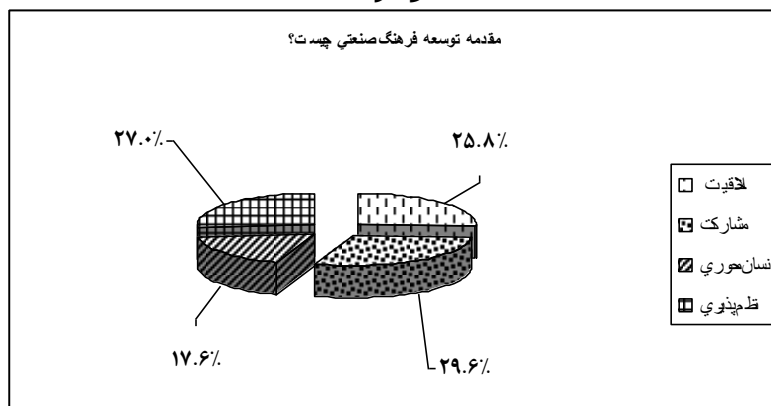
27% پاسخگویان، نظم پذیری و تعهد را برای توسعه صنعتی در اولویت دانسته اند. هر چند خلاقیت و نوآوری از جمله موارد مهم در هر جامعه و کشوری است ولی دیده می شود که این مورد، از دیدگاه مخاطبان و با توجه به موقعیت فعلی ایران، با 26% در اولویت سوم قرار می گیرد. شاید بتوان گفت که خلاقیت و نوآوری در بستر کارگروهی، مشارکت، نظم پذیری و تعهد است که موثر واقع می شود.

18% نیز انسان محوری و شایسته سالاری را مقدمه توسعه فرهنگ صنعتی دانسته اند. (نمودار

10)

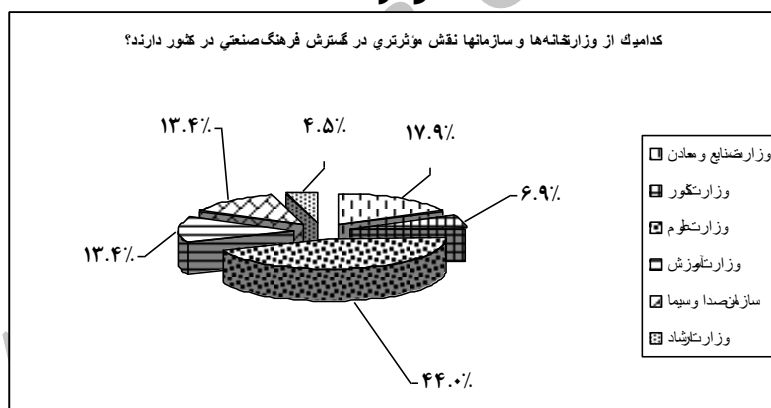
آنچه مشاهده می‌شود مشارکت و کارگروهی بیشترین اهمیت را به عنوان مقدمه توسعه فرهنگ صنعتی داراست.

نمودار 10



پرسش 9 همگان می‌دانند که در فرهنگ‌سازی و توسعه فرهنگ، ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف و متعددی نقش دارند. توسعه بنا بر تعریف سازمان ملل، فرایندی است که کوشش‌های مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر محله متحد کند، مردم این محله‌ها را در زندگی یک ملت ترکیب نماید و آنها را تماماً برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد. در این تعریف سازمان ملل به نقش دولت در شرکت دادن مردم در توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی اهمیتی اساسی داده است. در این سوال برخی ارگان‌های دولتی موثر در توسعه فرهنگ صنعتی در کشور اعلام و از پاسخگویان خواسته شد که مهم‌ترین را انتخاب نمایند.

نمودار 11

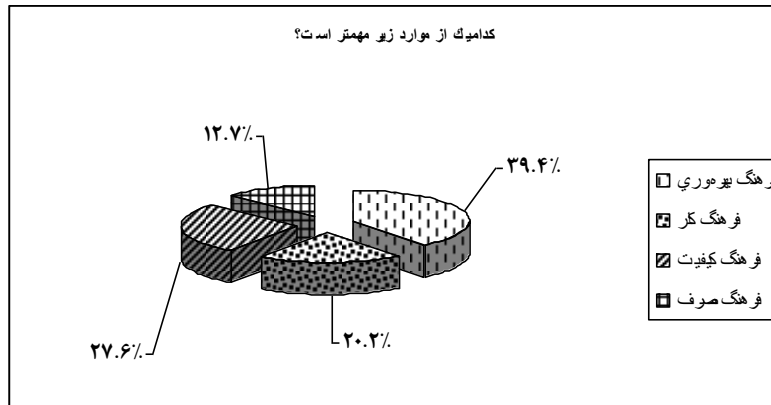


هر چند در ظاهر، متولیان امر فرهنگ و توسعه آن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما به نظر می‌رسند لیکن همانطور که در نمودار 11 نشان داده شده است اکثر پاسخ‌دهندگان (44%)، وزارت علوم را در گسترش فرهنگ صنعتی از بقیه سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها مهم‌تر دانسته‌اند. جالب آنکه وزارت ارشاد در این زمینه با 4/5%، پایین‌ترین درصد را داشته و حتی وزارت کشور با 6/9%، از دید مخاطبان موثرتر از آن است. نکته حائز اهمیت دیگر این است که وزارت صنایع و معادن علیرغم آنکه یکی از متولیان و مرتبطین اصلی موضوع فرهنگ صنعتی است ولی با 17/9% یعنی اختلافی در حدود 26 درصدی از وزارت علوم، در رده دوم اهمیت قرار گرفته است. وزارت آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیما نیز با اختصاص 13/4% پاسخ‌ها در ردیف سوم اهمیت قرار گرفتند.

پرسش 10 امروزه در ایران واژه فرهنگ، پیشوند کلمات زیادی قرار می‌گیرد. مثل فرهنگ رانندگی، فرهنگ شهرنشینی و در مدل توسعه فرهنگ صنعتی، فرهنگ‌هایی همچون فرهنگ

کار، فرهنگ بهره‌وری، فرهنگ کیفیت، فرهنگ مصرف و ... مطرح می‌شود. در این سوال از جمعیت مورد مطالعه این تحقیق در مورد اهمیت فرهنگ‌های اشاره کسب نظر شد. اکثر پاسخگویان (39/4%)، فرهنگ بهره‌وری را در شرایط کنونی جامعه ایران، مهم‌تر عنوان کردند. (نمودار 12)

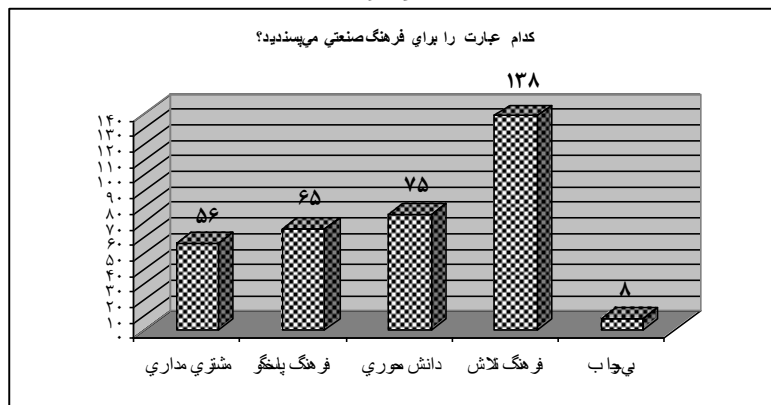
نمودار 12



به‌رغم آنکه رشد تولید ناخالص ملی و ارزش افزوده صنعت طی برنامه سوم توسعه در حد نسبتاً مطلوبی بوده، اما با توجه به زندگی 1% از جمعیت جهان در ایران و دارا بودن 9% ذخایر نفت و 17% ذخایر گاز طبیعی جهان و منابع مختلف معدنی و طبیعی، بهره‌وری سرمایه و انرژی در کشورمان رضایت‌بخش نیست و جای بهبود و تحولات شگرفی دارد. بهره‌وری، محرک پیشرفت اقتصادی است. لذا توجه به فرهنگ بهره‌وری نقش بسیار موثری در تحقق توسعه صنعتی و دستیابی به اهداف ایران 1400 دارد. فرهنگ بهره‌وری عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی در محیط که موجب شود دلبستگی به وظایف به شکل دلبذیر، آگاهانه و مسوولانه درآید و با توجه به تمایلات انسانی، عاطفی، منطقی و عدالت‌خواهانه، افزایش بازدهی کمی و کیفی به صورت مستمر انجام گیرد و شرایط تعالی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بشری فراهم گردد. با توجه به تفاوت‌های مهم در فرهنگ سازمانی شرکتها و وضعیت موجود آنها می‌توان گفت راهکارهای افزایش بهره‌وری نیز در آنها متفاوت خواهد بود. از جمله راهکارهای افزایش بهره‌وری می‌توان به کاهش ضایعات، ایجاد تعهد در کارکنان، توجه به کارکنان، استفاده بهینه از استعدادها، ایجاد انگیزه در کارکنان، توجه به تغییرات و... اشاره کرد. درجه تأثیر هر یک از این راهکارها در افزایش بهره‌وری به وضعیت موجود شرکت در آن زمینه و ضرورت پرداختن به هر یک از این موارد بستگی دارد، که می‌بایست به شکل ماهرانه‌ای شناسایی و اولویت‌بندی شده و بر آن اساس اقدام شود. پس از فرهنگ بهره‌وری، فرهنگ کیفیت با 27/6% در رتبه دوم اهمیت قرار گرفت. فرهنگ کار با 20/2% جواب‌ها و فرهنگ مصرف با کسب 12/7% پاسخ‌ها در درجه‌های بعدی اهمیت قرار گرفتند.

پرسش 11 در سوال پایانی، چند عبارت شعارگونه برای فرهنگ صنعتی پیشنهاد و نظر افراد در این خصوص گرفته شد. (نمودار 13)

نمودار 13



اکثر پاسخ‌دهندگان (41/3) عبارت "فرهنگ صنعتی، فرهنگ تلاش و کار" را برگزیدند. 22/5% به عبارت فرهنگ صنعتی، دانش‌محوری رای دادند. فرهنگ صنعتی، فرهنگ پاسخگو و فرهنگ صنعتی، مشتری‌مداری نیز هر کدام به ترتیب با اختصاص 19/5 و 16/8 درصد، در ردیف‌های سوم و چهارم قرار گرفتند.

نتیجه گیری:

فرهنگ صنعتی، معرفتی است نو که با صنعت تکوین یافته و به بلوغ رسیده است. از بدو پیدایش صنعت مدرن و انقلاب صنعتی در جهان، فرهنگ صنعتی در کانون توجه قرار گرفت و برای آن، قواعد، نظام‌ها و راهکارهایی اندیشه شد. در این راستا با توجه به رویکرد ایران به توسعه صنعتی، موضوع فرهنگ صنعتی و توسعه آن در کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گسترش فرهنگ صنعتی و رسیدن به جامعه‌ای صنعتی و پویا نیازمند دریافت و جمع‌بندی نظرات است. مطالعات دیدگاه‌های پاسخ‌دهندگان به پرسش‌های مطرح شده، نشان می‌دهد:

1. از نگاه پاسخگویان، مشکلات فرهنگی در اولویت حل مسائل قرار دارد و معتقدند با مقدم قرار دادن توسعه فرهنگی، می‌توان به توسعه در حوزه‌های دیگر همچون اقتصادی، صنعتی و سیاسی دست‌یافت.
2. ایران هنوز دارای تمدن کشاورزی است و همچنان کشاورزی مقدم بر صنعت است. این فضای حاکم بر کشور، دستیابی به توسعه صنعتی را کند خواهد نمود. پس، در صورت تمایل به صنعتی شدن کشور، با توجه به وضع موجود، گسترش فرهنگ صنعتی بیش از پیش اهمیت می‌یابد به‌ویژه آنکه از نگاه پاسخ‌دهندگان، فرهنگ صنعتی، مجموعه شاخص‌های فرهنگی پشتیبان صنعت است.
3. بر اساس نظر پاسخگویان، صنعتی شدن مستلزم شناخت فرهنگ وابسته به آن است و در پیشرفت ایران می‌تواند بسیار موثر باشد. هر چند که برای تحقق آن نیاز به مشارکت جامعه در این امر است. در این صورت است که می‌توان به توسعه صنعتی و جهانی شدن دست‌یافت.
4. آنچه مورد توجه است و می‌توان به عنوان مشخصه‌های کلیدی برای تحقق فرهنگ صنعتی و حتی از عوامل اصلی آن برشمرد، مشارکت، کارگروهی، نظم‌پذیری و تعهد است. دقیقاً همان عواملی که در کشور ما کمتر مورد عنایت و توجه است. البته سخن در این باب بسیار مطرح شده و می‌شود لیکن در عمل، این مشخصه‌ها کمتر بکار گرفته می‌شوند. در صورت توجه به عوامل فوق و اولویت قرار دادن آنها، توسعه فرهنگ صنعتی در کشور سرعت می‌گیرد.
5. اگرچه توسعه فرهنگ صنعتی به تک‌تک افراد، خانواده‌ها، تشکله‌ها، سازمان‌ها، بنگاه‌ها و ... مرتبط است ولی نمی‌توان تاثیر مستقیم، پررنگ و گسترده دولت را در این زمینه نادیده انگاشت. در این میان، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با عنایت به داشتن دو حوزه کلیدی علوم و فناوری، و همین‌طور نقش فرهنگ‌سازی انکارناپذیر آن و ارتباط با نخبگان کشور، نقش موثرتری در گسترش فرهنگ صنعتی در کشور دارد، هم در حوزه آموزش و هم در پرورش و نیز تحقیق و پژوهش در این زمینه.
6. ایران دومین کشور از نظر سرانه میزان مصرف انرژی در جهان است. بر اساس برآوردها، میزان اثربخشی یک روز کاری در سازمان‌های ایرانی - به ویژه دولتی - به چند دقیقه می‌رسد. توجه به بهره‌وری و اولویت قرار دادن تقویت فرهنگ بهره‌وری در کشور، حاکی از دقت نظر پاسخ‌دهندگان است. در برنامه چهارم توسعه نیز عنوان شده که 31/3% از رشد تولید ناخالص داخلی باید از طریق رشد بهره‌وری کل عوامل تولید صورت پذیرد. پس در قالب فرهنگ صنعتی نیاز به تلاش و کار است تا به اهداف کشور در حوزه توسعه صنعتی دست یابیم.

منابع:

- 1) خلیلی محسن / مقاله تشکل‌گرایی، بستر مناسب برای توسعه صنعتی / 1383
- 2) مهدوی محمدنقی / کتاب فرهنگ توصیفی تکنولوژی / 1380
- 3) کتاب گزیده مجموعه گفتگوهای فرهنگ و صنعت / جلد اول / 1384
- 4) لارنس هریسون، ساموئل هانتینگتون / اهمیت فرهنگ / موسسه انتشارات امیرکبیر / 1383

- (5) دهقان علي / گزارش از يك فرايند فراموش شده؛ فرهنگ صنعتي / روزنامه همشهري / شنبه سوم خرداد 1382، سال يازدهم، شماره 3058.
- (6) احدي نيا ناصرالدین / راهکارهاي افزايش بهره‌وري / ماهنامه تدبير / شماره 157، خرداد 1384
- (7) برنامه چهارم توسعه اقتصادي جمهوری اسلامی ایران

Archive of SID